

## حجاب در قرآن و عهدین

صنوبر اسماعیل آوا (حسن آوا)<sup>۱</sup>

### چکیده

رعایت حجاب در سه دین یهودیت، مسیحیت و اسلام از واجبات ضروری است. کلمه حجاب به دو معنای مانع و پوشش به کار رفته و در اصطلاح، پوشش ویژه‌ای برای زنان است که مانع نگاه نامحرمان به آنها می‌شود. فلسفه حجاب در اسلام، پاسخ به میل فطری، مهار کردن میل خودنمایی و کاهش التهابات جنسی است. انواع حجاب عبارت است از: حجاب پوششی، حجاب گفتاری، حجاب رفتاری. در دین اسلام زن باید بدن و موی خود را از مرد نامحرم بپوشاند؛ ولی پوشاندن صورت و دست‌ها از مچ به پایین واجب نیست. پوشش سر و استفاده از چادر که تمام اندام‌ها را می‌پوشاند، در میان زنان بنی اسرائیل امری رایج و مرسوم و نشان عزت نفس و جایگاه اجتماعی زن بوده است. در تعالیم یهود نیز احکام و دستوراتی وارد شده که از نگرش افراطی و مواضع سخت‌گیرانه این دین درباره پوشش و رعایت حریم زن و مرد حکایت می‌کند. در عهد جدید، بر لزوم پوشاندن موی سر به ویژه در مراسم عبادی تأکید شده است. دین مسیحی برای زن، خمار را باقی نهاد. این عادت تا قرن سیزدهم باقی بود. آنان گاهی راه افراط را پیموده و قوانین دشواری را وضع کرده‌اند.

**واژگان کلیدی:** حجاب، قرآن، عهدین.

### ۱. مقدمه

بحث حجاب، یکی از مباحث مهم دینی است که از زمان آفرینش حضرت آدم علیه السلام مطرح بوده و دانشمندان درباره آن کتاب‌های بسیاری نوشته‌اند. در این کتاب‌ها مسئله حجاب، حجاب در اسلام،

۱. دانش آموخته کارشناسی ارشد تفسیر و علوم قرآن از آذربایجان، مجتمع آموزش عالی بنت الهدی، جامعه المصطفی صلی الله علیه و آله العالمیه، قم، ایران.

حجاب از دیدگاه قرآن و روایات و حجاب و بهداشت روان مطرح شده است، اما این موضوع به صورت تطبیقی بین اسلام، یهودیت و مسیحیت بررسی نشده و یا فقط به صورت گذرا در مقالات بحث شده است. این پژوهش به بررسی حجاب در قرآن و عهدین و اشتراکات و اختلافات بین آنها می‌پردازد.

حجاب، به مفهوم مانع و حایل میان دو چیز است، خواه آن دو چیز از امور مادی و اشیایی محسوس باشد و یا از امور معنوی و غیر محسوس. راغب چنین می‌گوید: «حجب و حجاب به معنای منع از وصول و رسیدن دو چیز به همدیگر است» (راغب اصفهانی، بی تا، ۲۱۹/۱). صاحب مقایس اللغه نیز می‌آورد: «حجب دارای یک معنای اصلی است و آن منع است. گفته می‌شود: حجبته، یعنی منع کردم او را» (ابن فارس، ۱۴۰۴، ۱۴۳/۲). همچنین فیومی می‌نویسد: «حجب به معنای منع است و از همین رو به پوشش، حجاب گفته می‌شود؛ زیرا پوشش مانع از مشاهده شده و به دربان حاجب گفته می‌شود؛ چون مانع و بازدارنده از ورود دیگران است. اصل معنای حجاب، جسمی است که بین دو جسد حائل می‌شود و گاه برای امور معنوی نیز به کار می‌رود. از این رو، گفته شده است که «عجز»، حجاب میان انسان و مراد اوست و «معصیت»، حجاب بین بنده و پروردگار اوست» (فیومی، ۱۹۲۸، ۱۶۶/۱). جوهری، معنای «پوشش» را برای حجاب ذکر کرده و گفته است: «حجاب یعنی پوشش و حجاب درون انسان، یعنی آنچه که بین قلب و اعضای دیگر حائل می‌شود» (جوهری، ۱۳۹۹، ص ۱۰۷). همچنانکه ابن منظور نیز در لسان العرب، حجاب را به معنای «ستر» دانسته و گفته است: «حجاب به معنای ستر و پوشش است؛ «حجبه» یعنی آن را پوشانید، زن محجوب، زنی است که پوشیده باشد» (ابن منظور، ۱۴۱۹، ۵۰/۳).

در تعیین اینکه از میان این دو معنا کدام اصلی است و آیا هر دو معنا در عرض یکدیگر، معانی اصلی به شمار می‌آیند، نظر مؤلف التحقیق فی کلمات القرآن مطرح می‌شود: «حجاب در اصل به معنای مانع از تلاقی دو چیز یا اثر آن دوست، چه هر دو چیز مادی و دیگری معنوی و نیز بدون تفاوت از این ناحیه که آن مانع و حجاب، شیء مادی باشد یا امر معنوی» (مصطفوی، ۱۳۶۰، ۱۷۷/۲). کاربرد قرآنی حجاب نیز دلالت بر آن دارد که معنای حجاب، همان «منع» است و اگر به پوشش و ساتر، حجاب

گفته می‌شود، از آن روست که پوششش، مانع از دیدن و از مصداق‌های حجاب است. چنانکه خصوصیات مطرح شده معنایی درباره حجاب را نیز می‌توان در کاربردهای قرآن‌ی دید:

الف) «وإذا سألتهمون متاعاً فسئلوهمن من وراء حجاب...؛ و هر گاه از زنان رسول متاعی می‌طلبید، از پس پرده طلبید...». (احزاب: ۵۳) در این آیه شریفه، حجاب به معنای مانع (مانع دیدن) است و حجاب، خود و هر دو طرف آن جملگی امور مادی و محسوس‌اند.

ب) «و بینهما حجاب...؛ و میان این دو گروه حجاب و پرده ای است...». (اعراف: ۴۶) حجاب در این آیه نیز به معنای مانع رسیدن دو گروه به یکدیگر است و همچنین نوع حجاب میان بهشتیان و دوزخیان و دو طرف آن، هر دو نوع مادی و معنوی را بر اساس معاد جسمانی و یا روحانی، برمی‌تابد.

ج) «و ماکان لبشیران یکلمه الله و حیاً او من وراء حجاب...؛ و هیچ بشری را یاری آن نباشد که خدا با او سخن گوید مگر به وحی (والهام خدا) یا از پس پرده غیب عالم...». (شوری: ۵۱) حجاب میان انسان و خداوند به مفهوم وجود مانع دیدن خداوند از سوی انسان و بی‌تردید، امری معنوی است چنانکه دو طرف حجاب، خدا و انسان، یکی مادی و دیگری معنوی است.

از این رو، می‌توان گفت که اصل معنای حجاب، منع است و پسوند و خصوصیت مادی و یا معنوی بودن حجاب و یا اطراف آن، در مفهوم این واژه نهفته نیست بلکه متناسب با مقام و قرائن بیرونی می‌توان به مادی و یا معنوی بودن حجاب و اطراف آن راه یافت.

حجاب در کاربرد فقهی و اصطلاح فقیهان، قلمرو کوچک‌تر و معنای محدودتری دارد و مقصود از آن پوشش ویژه‌ای برای زنان است که مانع و بازدارنده نگاه نامحرم‌ان به او و یا مانع انگیزش تمایل جنسی مردان باشد. پیدایش و کاربرد این اصطلاح به جای ستر که در گذشته، میان فقیهان معمول بوده، به باور برخی از محققان مانند شهید مطهری، پیشینه‌چندانی نداشته و یک اصطلاح جدید است. (مطهری، ۱۳۷۶، ۱۹/۴۳۰)

خاستگاه این اصطلاح و معنا، شماری از روایات و آیات قرآن است که در برخی از آنها، واژه حجاب در معنای پرده و چیزی که مانع از دیده شدن می‌شود به کار رفته و در برخی دیگر هر چند واژه حجاب

به کار نرفته اما محتوای آن حجاب به معنای پیش گفته را می‌رساند. آیه‌ای دیگر، چگونگی پوشیدن چادر را به زنان آموزش داده و می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأَزُوجِكُمْ وَبَنَاتِكُمْ وَنِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا؛ ای پیامبر! با زنان و دختران خود و زنان مومنان بگو خویشتن را به چادر فرو پوشند که این کار برای اینکه شناخته شوند تا از تعرض و جسارت آزار نکشند بسیار نزدیکتر است و خدا بسیار آمرزنده و مهربان است» (احزاب: ۵۹). کلمه «دینین» از ریشه «دنو» به معنای نزدیک است (راغب اصفهانی، بی‌تا، ۱/۷۷۸) و «جلباب» جامه‌ای است سرتاسری که تمامی بدن را می‌پوشاند (طباطبایی، بی‌تا، ۱۶/۳۹۴).

ابن منظور ذیل «جلباب» چنین می‌آورد: «ثوب اوسع من الخمار، دون الدواء تغطی به المرأه رأسها و صدرها؛ لباسی بزرگ‌تر از خمار (روسری) که غیر از داء است و زن سر و سینه‌اش را با آن می‌پوشاند». (ابن منظور، ۱۴۱۹/۱، ۳۱۷) در قاموس المحيط آمده است: «جلباب ... ثوب واسع للمرأة دون الملحفة او ما تغطی به ثيابها من فوق كالمحفة او هو خمار» (فیروزآبادی، بی‌تا، ۱/۴۹).

جلباب در ملل و نحل مختلف مصادیق گوناگونی دارد، اما آن چیز که در همه مشترک است، پوشش اندام و برجستگی‌های بدن بوده و بیانگر یک نوع پوشش سرتاسری است که در ایران به آن چادر گفته می‌شود. فقها در تعریف حجاب گفته‌اند: حجاب لباسی است که زن برای حفظ عورت از اجانب می‌پوشد. (انصاری، ۱۴۱۸، ۲/۲۳۷) در این تعریف، دو نکته قابل تأمل وجود دارد: اول، لفظ «مرأه» است که نشان می‌دهد حجاب مترادف «پوشش زن» بوده و تعبیر حجاب مردان، قابل تأمل می‌باشد. دوم، بنا بر تعریف فوق، پوشش زن در هنگام نماز، حجاب نامیده نمی‌شود. تحقیق و تفحص در کتب فقیهان مسلمان (اعم از شیعه و سنی) نشان می‌دهد که حجاب به عنوان یک تکلیف شرعی و حکم الهی جایگاه خاص و ویژه‌ای در شرع مقدس اسلام دارد؛ اصل این حکم از ضروریات دین بوده و تنها اختلاف در جزئیات مسئله است (حکیم، ۱۳۸۹، ۵/۲۳۹).

از آنجا که وظیفه فقه، تبیین احکام الهی و حدود آنهاست، در کتب فقیهان مسلمان، حدود پوشش زن (یا حجاب) چنین تعیین شده است: «زن باید بدن و موی خود را از مرد نامحرم بیوشاند، بلکه احتیاط واجب آن است که بدن و موی خود را از پسری هم که بالغ نشده، ولی خوب و بد را

می‌فهمد و به حدی رسیده که مورد نظر شهوانی است، بیوشاند». (موسوی خمینی، ۱۴۰۸، ص ۳۸۴) نکته‌ای که هنگام جستجوی واژه حجاب در آثار فقهای دینی به چشم می‌خورد این است که فقها از لفظ حجاب استفاده نکرده‌اند، بلکه بیشتر واژه «ستر» را به کار برده و احکام آن را ذیل مباحث دیگر عنوان کرده‌اند. آنها بخش مستقلی بدان اختصاص نداده‌اند؛ در کتاب الصلاة و در بحث از این مسئله که هنگام نماز پوشش باید چگونه باشد، فصلی با عنوان «فی الستر و الساتر» گشوده شده است و در آن ضمن بحث از نحوه پوشش حین صلاة، از پوشش زن نزد نامحرم هم سخن گفته و حد آن را تعیین کرده است (موسوی خمینی، ۱۴۰۸، ص ۳۸۴). امروزه نزد عامه مردم، آن معنایی از حجاب که بیش از همه به ذهن می‌آید، معنای فقهی حجاب می‌باشد، اما در کتاب های فقها بیشتر از واژه «ستر» استفاده شده و از این نظر واژه حجاب از الفاظی است که استعمال آن جدید است و معلوم نیست که از چه زمانی و چرا واژه حجاب در معنای پوشش زن به کار گرفته شده است.

## ۲. فلسفه حجاب

قرآن کریم تأکید فراوانی بر مسئله حجاب دارد. از این رو، این سؤال مطرح است که فلسفه و دلیل امر به حجاب برای زنان چیست؟

### ۲-۱. حجاب؛ پاسخ به میل فطری

قرآن، موضوع پوشش و عفاف را مخصوص زنان نمی‌داند، بلکه معتقد است که ذات و سرشت انسان، اقتضای پوشش و حیا را دارد و این محیط اجتماعی و القائات دینی — فرهنگی و یا سودجویانه نیست که شرم از برهنگی و خطا را باعث شده است؛ هرچند این عوامل در شکوفایی یا فروکاسته شدن آن تأثیر دارند. قرآن برای اینکه مفهوم فوق را بیان کند، برای انسان، مرحله‌ای را ترسیم کرده که در آن مرحله انسان هنوز به فرهنگ، دین، روابط تولید و توزیع، مناسبات اجتماعی و رقابت و حس مالکیت و... دست نیافته است تا از آنها تأثیرپذیر باشد. قرآن، از زمان و مکانی یاد کرده که انسان نخستین، در قالب یک مرد به نام آدم و یک زن به نام حوا، زندگی خود را بی هیچ دغدغه آغاز کرده بودند. در این فضای کاملاً طبیعی، آدم و همسرش به هر حال راهی را انتخاب می‌کنند که نتیجه آن فرو افتادن

حجاب و آشکار شدن چیزهایی بود که آن را بر اساس ذات و سرشت انسانی خود، زشت می دانستند و چون زشتی را احساس کردند، درصدد پوشاندن آن برآمدند: «..فلما ذاقا الشجرة بدت لهما سوءاتهما و طغفا یخصمان من ورق الجنة...؛ پس چون از آن درخت تناول کردند زشتیهایشان بر آنان آشکار گردید و بر آن شدند که از برگ درختان بهشت خود را بپوشانند...» (اعراف: ۲۲). امام صادق علیه السلام می فرماید: «وقتی آدم و حوا از آن درخت خوردند، زیور و پوشش آنها از بدنشان جدا شد و برهنه ماندند» (عروسی حویزی، ۱۴۲۲، ۱۲/۲).

قرآن کریم با تکیه به ذاتی بودن حیا، پوشش و عفاف، زنان و مردان را به عفت دعوت می کند با این تفاوت که عفت مردان با کنترل بر شهوت و پرهیز از چشم چرانی حاصل شده و حیای زن، با حفظ حریم، که یکی از نمودهای آن پوشش تن است به دست می آید. میل فطری به پوشش، باعث شد که زنان صدر اسلام به خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله برسند و مشکلاتشان را درباره عدم رعایت پوشش مطرح کنند. بر این اساس، حکم حجاب برای آنان وضع شد و آنان از این دستور حکیمانه الهی استقبال کردند. دلیل این ادعا، گزارشی است که عایشه از استقبال زنان از آیات حجاب بیان کرده است: «من، برتر از زنان انصار ندیدم. همین که آیات سوره احزاب نازل شد، یک نفر از آنان دیده نشد که مانند سابق بیرون بیاید. سر خود را با جلباب‌های مشکی می پوشانند، گویی کلاغ روی سرشان نشسته است» (سیوطی، ۱۴۰۴، ۴۳/۵).

## ۲-۲. مهار میل به خودنمایی

یکی دیگر از دلایل تأکید قرآن بر پوشش، میل به خودنمایی زنان است. همین میل است که باعث می شود زنان، به لباس‌های بدن نما و آرایش‌های تحریک کننده روی آورند. اگر این میل کنترل نشود، فسادآفرین خواهد بود. پوشش، مهم ترین عامل تعدیل این میل است. زنان از نظر روانی، به خودنمایی و ظاهر شدن در برابر مردم تمایل دارند و این میل روانی، آنان را به سمت نشان دادن خود و زینت هایشان به دیگران می کشاند. اسلام برای کنترل این میل درونی، مسئله پوشش در عرصه‌های عمومی را مطرح و برای پاسخ گویی مناسب به این میل، زنان را به داشتن زینت و آرایش در عرصه‌های

خصوصی تشویق کرده است. طرح حجاب و پوشش در آموزه‌های دینی، هرگز به معنای نادیده گرفتن نیاز طبیعی و اصیل زنان به خودآرایی نیست، چنانکه در روایت‌های مختلف، به ضرورت پرداختن زنان به زینت و آراستگی تأکید شده است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به برخی همسرانشان که به آراستگی خود توجه نداشتند، می‌فرمود: «چرا ژولیده هستی و به دلیل سرمه نکشیدن، چشمت سفید شده و چرا خضاب نمی‌کنی و موهای خود را رنگ نمی‌کنی؟». (حر عاملی، ۱۳۹۱، ۴۱۰/۱) امام باقر علیه السلام نیز می‌فرماید: «سزاوار نیست که زن خودش را معطل کند (از برخی زیورآلات استفاده نکند) هر چند آن چیز، آویختن گردن بندی به گردنش باشد» (مجلسی، ۱۴۰۴، ۲۶/۱۰۳). در روایات متعدد، خوش بو کردن زن، آراستن ناخن، توجه به زیبایی چهره و رنگ موی زن از یک سو و لزوم آراستگی شوهر برای زن از سوی دیگر مورد توجه قرار گرفته که مجموعه این روایات، از توجه اسلام به این نیاز زن حکایت می‌کند. شارع مقدس با وضع حکم شرعی حجاب برای زنان، قصد تعدیل نیاز به خودآرایی و تبرج را دارد. افزون بر آن در دین، حکم پوشش، به حضور در عرصه عمومی اجتماع مربوط است و به زنان اجازه داده شده تا در محافل خصوصی و مکان‌هایی که نامحرم وجود ندارد، لباس‌های رنگین و زینت استفاده کنند. حتی به پدران و همسران سفارش شده که وسایل آرایش و آراستگی زنان را تأمین کنند.

### ۲-۳. کاهش التهاب‌های جنسی

در جامعه‌ای که پیوند میان زن و مرد بدون ضابطه است و حریمی میان زن و مرد وجود ندارد، نیاز جنسی از حد طبیعی و متعادل خود خارج شده و به شکلی بیمارگونه افزایش می‌یابد و به صورت یک خواست اشباع نشدنی در می‌آید. استاد مطهری در کتاب «مسئله حجاب» در این باره می‌نویسد: «نبودن حریم میان زن و مرد و آزادی معاشرت‌های بی‌بند و بار، هیجان‌ها و التهاب‌های جنسی را فزونی می‌بخشد و تقاضاهای سکس را به صورت یک عطش روحی و یک خواست اشباع نشدنی درمی‌آورد. وجود حرم سراها، غزل سرایی‌های ابتذال‌آمیز بشر، حکایات عاشقانه از عشق‌های جنسی، دلیلی بر سیری ناپذیری این غریزه و قدرت شگرف این غریزه دارد. غریزه جنسی، غریزه‌ای نیرومند، عمیق و دریا

صفت است. هرچه بیشتر اطاعت شود، سرکش‌تر می‌گردد. همچون آتش که هرچه به آن بیشتر خوراک بدهند، شعله‌ورتر می‌شود» (مطهری، ۱۳۷۶، ۱۹/۴۳۴).

مسئله دیگر، حساسیت بیشتر مردان نسبت به محرک‌های جنسی در مقایسه با زنان است. از این رو، پوشش نامناسب زنان و جاذبه ناشی از آن، مردان را تحریک می‌کند. این تحریک‌پذیری، افزون بر ایجاد فساد اخلاقی موجب اختلال روانی ناشی از هیجان‌های جنسی بیمارگونه می‌شود. به همین دلیل اسلام، تدابیری برای تعدیل و رام کردن این غریزه اندیشیده و در این زمینه هم برای زنان و هم برای مردان، تکلیف معین کرده است. وظیفه مشترک برای زن و مرد، مربوط به نگاه کردن است: «قل للمؤمنین یغضوا من ابصارهم... و قل للمؤمنات یغضضن من ابصارهن...» (نور: ۳۰-۳۱). مفسران در ذیل این آیه می‌گویند: «با آنکه کلمات «یغضوا» و «یحفظوا» فعل مضارع هستند و معنای «فرو می‌نهند» و «حفظ می‌کنند» را افاده می‌نمایند، اما به دلیل سیاق آید و وجود فعل امر «قل»، مفهوم و معنای آیه، به صورت جمله شرطیه است» (طباطبایی، بی‌تا، ۱۵/۱۵۵). بنابراین، مفاد آیه چنین است: «ای پیامبر، به مؤمنان بگو دیدگان خود را فرو نهند و اگر تو آنان را اینگونه امر کنی، آنان چشمان خود را فرو خواهند نهاد...». این آیه دلالت می‌کند که پیامبر ﷺ از سوی خداوند، مردان و زنان مؤمن را به فرو نهادن نگاه فرمان داده و فرمان و امر دلالت بر لزوم این کار دارد، اما مسئله پوشش، وظیفه‌ای است مختص زنان: «ای پیغمبر با زنان و دختران خود و زنان مومنان بگو خویشتن را به چادر فرو پوشند که این کار برای اینکه شناخته شوند تا از تعرض و جسارت آزار نکشند بسیار نزدیکتر است و خدا بسیار آمرزنده و مهربان است» (احزاب: ۵۹).

برخی از مفسران، عبارت «یدنین علیهن من جلابیهن» را به معنای پوشاندن سر و گریبان دانسته‌اند. (طباطبایی، بی‌تا، ۱۵۹/۱۵) به همان معنایی که در سوره نور بدان فرمان داده شده است. به عبارت دیگر، زنان با ایمان، جلیاب را چنان بر روی خویش می‌اندازند که نشان می‌دهند اهل عفاف و حفاظ هستند، نه مثل کسانی که اگر پوششی حتی چادر بر سر دارند، اما تشریفاتی و نمایشی است به طوریکه تأثیری در پوشاندن زیبایی‌هایشان ندارد. قرآن کریم از زنان با ایمان می‌خواهد که



جلباب‌هایشان را به خود نزدیک سازند و خویشتن را به خوبی بیوشانند تا از نتایج آن یعنی، امنیت و سیانت و حفاظت از اجتماع هم خود و هم دیگران بهره‌مند شوند.

### ۳. گونه‌های حجاب در قرآن

خداوند در سوره مبارکه احزاب - نخستین سوره‌ای که از حجاب سخن گفته - سه فرمان درباره حجاب داده و انواع مختلف حجاب را بیان می‌کند که دو فرمان آن بیش از همه متوجه شخص پیامبر ﷺ و خانواده ایشان و دیگری متوجه مؤمنان و جامعه اسلامی است.

#### ۳-۱. حجاب پوششی

در یکی از این دستورهای سه‌گانه، خدا از پیامبر ﷺ خواسته تا همسران و دختران خود و نیز همسران اهل ایمان را، به رعایت و حفظ نوعی از پوشش دعوت کند تا از این رهگذر مورد اذیت قرار نگیرند؛ «... یا ایها النبی قل لزوجک و بناتک و نساء المؤمنین یدنین علیهن من جلابیبهن...؛ ای پیامبر! با زنان و دختران خود و زنان مومنان بگو خویشتن را به چادر فرو پوشند...» (احزاب: ۵۹). در این آیه شریفه - بی آنکه خداوند، حد و اندازه و ریز مسائل حجاب و پوشش را بیان کند دستور می‌دهد که پوشش و فرو انداختن چادر یا روسری‌های خانواده پیامبر ﷺ و سایر مؤمنین به صورتی باشد که مانع جلب نگاه‌ها و آزارها شود. سوره مبارکه نور، بخش دیگری از پوشش و حجاب را برای بانوان مسلمان یادآور شده است: «ولا یبدین زینتهن الا ما ظهر منها و یضربن بخمرهن علی جیوبهن؛ و زینت و آرایش خود جز آنچه قهراً ظاهر می‌شود آشکار نسازند و باید سینه و بر و دوش خود را به مقنعه بیوشانند» (نور: ۳۱).

در اینکه مقصود از «زینت» چیست، تفاوت‌هایی در دیدگاه‌های مفسران به چشم می‌آید، چنانکه بعضی، زینت پنهان را به معنی زینت طبیعی (اندام زیبای زن) گرفته‌اند، در حالی که کلمه «زینت» به این معنی کمتر اطلاق می‌شود. برخی دیگر، آن را به معنی «محل زینت» گرفته‌اند؛ زیرا آشکار کردن خود زینت مانند گوشواره، دستبند و بازوبند به تنهایی مانعی ندارد، اگر ممنوعیتی باشد مربوط به محل این زینت‌هاست، یعنی گوش‌ها، گردن، دست‌ها و بازوان. برخی دیگر، آن را به معنی خود «زینت آلات» گرفته‌اند، ولی در حالیکه روی بدن قرار گرفته و طبیعی است که آشکار کردن چنین زینتی توأم با

آشکار کردن اندامی است که زینت بر آن قرار دارد. به گفته برخی محققان، حق این است که این آیه، بدون پیش داوری و طبق ظاهر آن تفسیر شود که ظاهر آن همان معنی سوم است. بنابراین، زنان حق ندارند زینت‌هایی که معمولاً پنهانی است را آشکار کنند، هر چند اندامشان نمایان نشود و به این ترتیب آشکار کردن لباس‌های زینتی مخصوصی که در زیر لباس عادی یا چادر می‌پوشند مجاز نیست؛ چراکه قرآن، ظاهر کردن چنین زینت‌هایی نهی کرده است (مکارم شیرازی، ۱۳۶۸، ۳۳۹/۱۴).

### ۲-۳. حجاب گفتاری

دستور دوم خداوند درباره حجاب، به شیوه مخصوصی از سخن گفتن و کارکرد آن در تعامل اجتماعی زنان، نظر دارد بی آنکه از واژه حجاب استفاده کند: «... فلا تخضعن بالقول فیطمع الذی فی قلبه مرض و قلن قولا معروفا»؛ «... پس زنهار نازک و نرم سخن نگویند مبادا آنکه دلش بیمار است به طمع افتد و درست و نیکو سخن گویند.» (احزاب: ۳۲). این آیه شریفه - با پیش فرض مشروعیت و روا بودن اصل سخن گفتن زن با مرد نامحرم - سخن گفتن زنان با مردان نامحرم را به دو دسته تقسیم کرده است: اول) سخن گفتن معمولی و متعارف که در آن هیچ تغییری در آهنگ و طنین صدای زن، رخ نمی‌دهد و نیز واژه مورد استفاده، از واژه‌های معمول و متعارف فراتر نمی‌رود.

دوم) سخن گفتنی که در آن واژه‌ها به نوعی خاص، لطیف و تحریک‌کننده انتخاب شده و یا بالحن و طنین خاصی ادا می‌شود. قرآن کریم، از شیوه دوم، نهی کرده و دلیل آن را چنین بیان کرده است که: «سخن گفتن متعارف و معمولی، از طمع و انگیزش هوس افراد مریض و بیمار دلی که با احساس هر نشانه و زمینه‌ای در پی بهره‌جویی و کام‌جویی برمی‌آیند، جلوگیری می‌کند».

### ۳-۳. حجاب رفتاری

پاره‌ای از رفتارها، در تعامل و معاشرت زنان و مردان چنان است که پیام‌های ویژه‌ای را در دو سوی طهارت و پاکی و یا انحراف و آلودگی، برای طرف مقابل به همراه دارد. در قرآن کریم نمونه‌هایی از این رفتارها بیان شده و مسلمانان، به ویژه بانوان مسلمان - که شیوه‌های رفتاری آنان حساسیت بیشتری را باعث می‌شود - دستور داده شده که از این شیوه‌های رفتاری بپرهیزند که از جمله آنها «خودنمایی»

است: «... ولا تبرجن تبرج الجاهلیة الاولى...؛... و مانند دوره جاهلیت پیشین با آرایش و خودآرایی بیرون نیابید...» (احزاب: ۳۳).

علامه طباطبایی در توضیح معنای «تبرج» می‌فرماید: «تبرج، خود را نشان دادن برای مردم است، بدانسان که ساختمان‌های رفیع در چشم بینندگان، خودنمایی می‌کنند». (طباطبایی، بی‌تا، ۴۸۳/۱۶) بر این اساس، زنان مسلمان باید در معاشرت‌ها و رفتارهای خود چنان رفتار کنند که نگاه هوس‌آلود دیگران را جلب نکرده و زمینه مزاحمت و فساد، فراهم نشود.

#### ۴. حدود و مقدار حجاب در اسلام

از نظر شرع اسلام، زن باید بدن و موی خود را از مرد نامحرم بپوشاند، ولی پوشاندن صورت و دست‌ها از مچ به پایین واجب نیست. حکم پوشش در مکان‌هایی که در معرض دید نامحرم است باید اجرا شود؛ فرقی نمی‌کند که نامحرم در منزل یا غیر منزل باشد، حتی در مورد افراد نامحرمی که همیشه با انسان ارتباط دارند، این حکم و امثال آن جاری است. در مورد حجاب واجب، کافی است که زن به هر وسیله‌ای که می‌تواند خود را بپوشاند و لباس خاصی شرط نیست، ولی پوشیدن لباس‌های تنگ و چسبان و همچنین لباس‌های زینتی اشکال دارد. خداوند متعال در سوره نور آیه ۳۱ خطاب به زنان مؤمن می‌فرماید وظیفه دارند زینت‌هایی را که معمولاً پنهان است، در نزد نامحرم پنهان کنند: «و زنان مؤمن را بگو تا چشم‌ها بپوشند و فروج و اندامشان را محفوظ دارند و زینت و آرایش خود را جز آنچه قهراً ظاهر می‌شود، آشکار نسازند و باید سینه و بر و دوش خود را با مقنعه بپوشانند و زینت و جمال خود را آشکار نسازند جز برای شوهران یا پدران...».

اگرچه مهم، رعایت حجاب است و پوشیدن چادر، الزامی نیست، ولی چادر، بهترین نوع حجاب و نشانه ملی زنان جامعه ایرانی است. مانند و مانند آن، اگرچه با شرایطی مناسب است، اما چون باعث نمایان شدن اندام و برجستگی‌های بدن زن می‌شود، ممکن است منشأ تحریک و فساد باشد. عقل انسان، بین خوب و خوب‌تر، قطعاً خوب‌تر را انتخاب می‌کند، بنابراین، چادر عاقلانه‌تر و بهتر است.

## ۵. حجاب در آیین یهود

پراکندگی قوم یهود و قدمت آن باعث شده تارعیات پوشش و چگونگی اجرای آن با فراز و نشیب‌هایی مواجه باشد، اما از آنجا که معیار داوری در این مسئله نصوص مذهبی این آیین است، در اینجا به بررسی پوشش در این دین اشاره می‌شود. پوشش سر و نیز استفاده از چادر که همه اندام را می‌پوشاند در میان زنان بنی اسرائیل امری رایج و مرسوم بوده است: «مردی از بنی اسرائیل به نام بوعلز خطاب به روت، یکی از زنان بنی اسرائیل می‌گوید: چادری که به توست بیاور و بگیر، پس آن را بگیرف و او شش کیل جو پیموده بر آن گذاشت و به شهر رفت.» (عهد عتیق، ۱۹۹۲)

در عباراتی از تورات، علاوه بر چادر، به برقع که به وسیله آن صورت خود را می‌پوشاندند نیز اشاره شده است. در مورد عروس یهود آمده است: «پس رخت بیوگی را از خویشتن بیرون کرده و برقی بر روی کشیده و خود را در چادری پوشیده و به دروازه عینایم که در راه تمنه است، نشست» (سفر پیدایش، ۳۸، ۱۵-۱۴). درباره ماجرای ازدواج اسحاق با رفقه در سفر پیدایش نیز چنین نقل شده: «رفقه چشمان خود را بلند کرد و اسحاق را دید و از شتر فرود آمد؛ زیرا که از خادم او پرسید، این مرد کیست که در صحرا به استقبال ما می‌آید و خادم گفت آقای من است پس برقع خود را گرفته، خود را پوشانید» (سفر پیدایش، ۲۴، ۶۵-۶۴).

حجاب، نشان عزت نفس و جایگاه اجتماعی زن است. زنان طبقات پایین جامعه برای اینکه نشان دهند مقام بالاتری دارند، چادر به سر می‌کردند و چون حجاب نماد اصالت بود، در جوامع قدیم یهود به فاحشه‌ها اجازه نمی‌دادند، موهایشان را بپوشانند. (اشنایدر، ۱۹۸۴) زنان یهودی در اروپا تا قرن ۱۹ میلادی این حجاب را حفظ کردند و این زمانی بود که زندگی‌شان با فرهنگ سکولار و غیر دینی پیرامونشان بیشتر درآمیخته بود. فشارهای بیرونی زندگی اروپاییان در قرن ۱۹ میلادی، بسیاری از آنان را مجبور کرد که با سر برهنه بیرون بیایند. برخی از زنان یهودی مناسب‌تر دیدند که کلاه‌گیس را به منزله شکل دیگری از حجاب، جای‌گزین حجاب سنتی خویش کنند. امروزه، بیشتر زنان یهودی متدین موهایشان را جز در کنیسه نمی‌پوشانند و برخی از زنان، مانند فرقه‌های هاسدیک، هنوز هم از کلاگیس استفاده می‌کنند (الکساندرا، بی‌تا، صص ۱۲۸-۱۲۹). به هر ترتیب، نصوص یاد شده بیانگر آن است که

زنان مؤمن یهودی خود را ملزم به اجرای قوانین دین یهود می‌دانستند و مردان هم از این دستورات عمل‌هایی نصیب نبودند. یکی از دستورات دینی یهود آن است که مرد یهودی نباید در حضور زنی که موی سرش پیداست، به درگاه خدا دست به دعا بردارد (دورانت، ۱۳۸۰، ۴/۴۸۴).

#### ۱-۵. حدود و چگونگی پوشش در آیین یهود

در تورات، از چادر و برقع و روبنده‌ای که زنان با آن، سر و صورت و اندام خود را می‌پوشانده‌اند به طور صریح نام برده شده که نشانگر کیفیت پوشش زنان یهود در آن عصر است. همان‌طور که اشاره شد، شریعت یهود، چادر و برقع در پوشش زنان را تصریح کرده است و حد و مرز پوشش و چگونگی آن در کتاب یکی از علمای معاصر یهود به تفصیل آمده و پوشش زنان را در دو مرحله قبل از ازدواج و بعد از آن به تصویر کشیده است. دختر یهودی قبل از ازدواج باید از پوشش ساده لباس که دامن آن تا ده سانت زیر زانو و آستین آن تا آرنج است، استفاده کند و موی سر او در صورتی که مزین نباشد، لازم نیست پوشیده شود و اگر بلندی موها به شانه برسد باید بسته شود.

طبق تعالیم دینی یهود دختر باید حوالی بلوغ ازدواج کند و پس از آن، رعایت حجاب بر او لازم می‌شود، طوری که لباس به قدری گشاد باشد که برجستگی‌های بدن را بیپوشاند و آستین لباس تا مچ دست باشد. تمامی گردن از دو طرف تا شیب کتف باید از پشت و جلو پوشانده شود، حتی پاها پوشیده بماند و پا از پشت جوراب دیده نشود و جوراب‌های عکس‌دار با رنگ‌های تند ممنوع است. تمام موی سر پوشیده بماند و آرایشی که موجب جلب توجه دیگران شود گناه بزرگی است. به هر حال شاید بتوان گفت که در امر پوشش زنان یهودی، بر پوشاندن موی سر آنان تأکید بیشتری شده و گفته شده است که در طول قرون وسطی، یهودیان همچنان زنان خویش را با لباس‌های فاخر می‌آراستند، ولی به آنها اجازه نمی‌دادند که با سر عریان به میان مردم روند. نیوشاندن موی سر خلافی بود که مرتکبین را مستوجب طلاق می‌ساخت. (دورانت، ۱۳۸۰، ۴/۴۸۴)

برای روشن شدن مسئله پوشش در دین یهود، کسانی که تعالیم شریعت یهود را نادیده گرفته و به خودآرایی و تبرج پردازند، مشمول عذاب الهی شده و از عاقبت شوم و سختی که در پیش دارند باید

هراسناک باشند. در کتاب اشعیای نبی آمده است که خداوند می‌فرماید: «از این جهت که دختران صهیون متکبرند و با گردن افراشته و غمزات چشم راه می‌روند و به ناز می‌خرامند و به پاهای خویش خلخال‌ها را به صدا می‌آورند. بنابراین، خداوند فرق سر دختران صهیون را گل خواهد ساخت. خداوند، زینت خلخال‌ها و پیشانی بندها و هلال‌ها را دور خواهد کرد و گوشواره‌ها و دست‌بندها را و دستارها و زنجیرها و کمربندها و عطردان‌ها و تعویذها را، انگشترها و حلقه‌های بینی را، زخوت نفیسه و رداها و شال‌ها و کیسه‌ها را، آینه‌ها و کتان نازک و عمامه‌ها و برقع‌ها را. و واقع می‌شود که به عوض عطریات، عفونت خواهد شد و به عوض کمربند، ریسمان و به عوض موهای بافته، گلی و به عوض سینه بند زنار پلاس و به عوض زیبایی، سوختگی خواهد بود» (اشعیاء نبی، ۳: ۲۴۱۶).

در راستای نهی از تبرج و خودنمایی، تورات تشبیه زن و مرد به یکدیگر را نهی کرده و می‌گوید: «متاع مرد بر زن نباشد و مرد لباس زن را نپوشد؛ زیرا هر که این کار را کند مکروه بیهوده خدای توست» (سفر تثنیه، ۲۲: ۵). گفتنی است که در تعالیم یهود احکام و دستوراتی وارد شده که حکایت از نگرش افراطی و مواضع سخت‌گیرانه این دین در مسئله پوشش و رعایت حریم زن و مرد دارد. زنانی که در موارد زیر به رفتار و کردار آنها اشاره می‌شود، ازدواجشان باطل است و مبلغ کتوبا (مهریه) به ایشان تعلق نمی‌گیرد:

الف) زنی که از اجرای قوانین دینی یهود سرپیچی کرده و فی‌المثل بدون پوشاندن سر خود، به میان مردان می‌رود، در کوچه و بازار، پشم می‌ریسد و با هر مردی از روی سبک سری به گفت و گو می‌پردازد.

ب) زنی که در حضور شوهر خود به والدین او دشنام می‌دهد و زن بلند صدا که در خانه با شوهر خود به صدای بلند درباره امور زناشویی صحبت می‌کند و همسایگان او می‌شنوند که چه می‌گوید. (تلمود، میشنا کتوبوت، ۷: ۶)

شاید وجود این دستورات العمل‌ها مورخان و اندیشمندان را بر آن داشته که تنها از رسم حجاب در میان زنان یهود سخن نگویند، بلکه علاوه بر آن، سخت‌گیری‌های آنان را در این باره یادآور شوند. ویل دورانت می‌گوید: «گفت‌وگوی علنی میان جنس مذکر و مؤنث، حتی بین زن و شوهر از طرف فقهای

دین ممنوع شده بود. درس خواندن برای دختران و علم‌آموزی را خطرناک می‌شمردند؛ با این حال تدریس خصوصی برای زنان مجاز بود» (دورانت، ۱۳۸۰، ۱۲/۶۶). استاد مطهری سخت‌گیری یهود را در تفکر آنان نسبت به پنهان کردن زن و حذف او از صحنه اجتماع جست‌وجو می‌کند: «در ایران و در بین یهود و سایر ملت‌هایی که از فکر یهود پیروی می‌کردند، حجاب بیشتر از آنچه اسلام می‌خواست، وجود داشت. در بین این ملت‌ها، سخن از پوشش زن و چهره او نبود، بلکه سخن از پنهان کردن زن بود و این فکر به صورت یک عادت جدی بین آنها رواج داشت» (مطهری، ۱۳۷۶، ص ۱۹). در هر صورت حجاب در طول تاریخ یهود به استناد نصوص دینی موجود در این آیین مورد توجه زنان مؤمن یهود بوده و به نظر می‌رسد تا قبل از درآمیختن با فرهنگ غربی، زنان یهودی حجاب داشته‌اند.

## ۶. حجاب در آیین مسیحیت

در بررسی آیین یهود، نصوصی دیده می‌شود که نشان‌دهنده تأکید قوانین یهود در مورد پوشش است. بنابراین، پوشیدن چادر و برقع برای همگان حتی خاتون‌های اشراف لازم بوده و در اعیاد نیز کسی آن را کنار نمی‌گذاشت. آنها چادر را با طلا و نقره و پارچه‌های زربفت تزئین کرده و برای تفریح نیز با پوشش کامل در مجالس انس شرکت می‌کردند. در عهد جدید، بر لزوم پوشاندن موی سر به ویژه در مراسم عبادی تأکید شده است. در رساله پولس آمده است: «و هر زنی که با سر برهنه دعا یا ابلاغ وحی کند، سر خود را رسوا می‌کند؛ زیرا مثل این است که سرش تراشیده شود. اگر زنی موی سرش را نمی‌پوشاند، باید آن را از ته کوتاه کند و اگر کوتاه کردن یا تراشیدن موی سر برای زن مایه ننگ است، باید سرش را ببوشاند» (رساله اول پولس به قرنتیان، ۱۱: ۱۶-۳).

و نیز در جای دیگری از همین رساله آمده است: «حال، نظر خودتان در این باره چیست؟ آیا درست است که یک زن در جمع بدون پوشش سر دعا کند؟» (رساله اول پولس به قرنتیان، ۱: ۱۱-۱۵) از جمله قوانین شرعی کلیسای کاتولیک، قانونی است که زنان را به پوشیدن موهایشان ملزم می‌کند؛ (هنینگ، ۱۹۷۴، ص ۲۷۲) برای مثال در برخی از فرقه‌ها مانند آمیش و مینونایت، زنان، حجابشان را تا امروز حفظ کرده‌اند. فلسفه وجودی حجاب، آن گونه که رهبران کلیسا گفته‌اند این است که حجاب و

پوشش زن، نماد پیروی و فرمان برداری زن از مرد و خداست و آن همان منطقی است که پولس مقدس در عهد جدید مطرح کرد. از این مطالب نباید نتیجه گرفت که دین مسیحیت، پوشش سر را فقط هنگام دعا لازم شمرده، بلکه سیره عملی زنان مسیحی نشان می‌دهد که آنان تا حدود رنسانس به حجاب پایبند بوده‌اند.

## ۱-۶. حدود و میزان حجاب در آیین مسیحیت

دین مسیحی، برای زن، خمار را باقی نهاد؛ وقتی وارد اروپا شد، آن را نیکو شمرد. زن‌ها در کوچه و وقت نماز، خمار داشتند. در قرون وسطی به ویژه در قرن نهم، خمار رواج داشت. آستین خمار، شانه زن را پوشیده، تقریباً به زمین می‌رسید. این عادت تا قرن سیزدهم باقی بود. ساق پای زنان چیزی نبود که در ملاء عام و یا رایگان به چشم خورد... لباس بانوان در مجالس تورنه، موضوع مهمی برای روحانیون بود که کاردینال‌ها، بلندی جامه‌های خواتین را معین می‌کردند. هنگامی که کشیشان چادر و روبند را یکی از ارکان اخلاقیات عیسوی دانستند. به هر حال، رعایت پوشش و پای بند مسیحیان به رعایت حجاب را باید در کوشش پاپ‌ها و کاردینال‌های مسیحی جست‌وجو کرد. اگرچه آنان گاهی راه افراط را پیموده و قوانین دشواری را وضع کرده‌اند. آنها طی دستورالعملی، پوشاندن صورت را اجبار کرده و تزئین موی سر و آرایش آن، سوراخ کردن گوش‌ها و آویختن گلوبند، خلخال، طلا و دست بند قیمتی، رنگ کردن مو و تغییر صورت ظاهری را ممنوع کردند. در همین راستا، دو تن از مراجع دینی مسیحیت در مورد لزوم پوشاندن صورت معتقدند: «زن باید کاملاً در حجاب و پوشیده باشد، مگر آنکه در خانه خود باشد؛ زیرا فقط لباسی که او را می‌پوشاند مانع خیره شدن چشم‌ها به او مانع شود. زن نباید صورت خود را عریان کرده و با این کار دیگری را به گناه وادارد. (حکیم الهی، ۱۳۴۲، ص ۵۳)

در کتاب مقدس، بر لزوم آراستگی به حیا و دوری از آرایش ظاهری تأکید شده است: «و شما را زینت ظاهری نباشد از بافتن مو و متجلی شدن به طلا و پوشیدن لباس، بلکه انسانیت، باطنی قلبی در لباس غیرفاسد، روح حلیم و آرام که نزد خدا گرانبهاست؛ زیرا بدین صورت، زنان مقدسه در سابق نیز که متوکل به خدا بودند، خویشان را زینت می‌کردند.» (رساله پطرس، ۳: ۱-۶) بزرگان دینی مسیحیت،



زنانی را که در حفظ پوشش بی‌اعتنا باشند، مورد سرزنش قرار می‌دهند. اسقف مسیحی به نام «برتولد» خطاب به مردان می‌گوید: «شما ای مردان، می‌توانید به این کارها پایان بخشید و دلاورانه به مبارزه با آن قیام کنید، ابتدا با سخن خوش و اگر باز سرسختی نشان دهند قدم میان نهید و روبند (مزین) را از سرزن کشیده و پاره کنید و حتی اگر چهاردانه از موها نیز کنده شد آن را در آتش افکنید» (دورانت، ۱۳۸۰، ۴۹۸/۳).

از این مضامین برمی‌آید که خودنمایی و خودآرایی بر زنان مسیحی جایز نیست و کسی که عفاف را رعایت نکند و گرفتار شهوت جنسی باشد، در حقیقت مرده است. به گفته پولس: «زن عیاش در حال حیات، مرده است» (رساله پولس به تیموتائوس، ۵: ۶) پس از رنسانس و بروز تحول در فضای فکری - فرهنگی جامعه غربی، رویکرد مسیحیت به مسئله پوشش، دستخوش دگرگونی جدی شد، طوری که پس از ظهور ایدئولوژی عصر روشن‌گری (که کوران دوران مدرنیته قلمداد می‌شود) فرهنگ، معنای معنوی و ارزشی خود را از دست داد و در مفهوم «تمدن» به کار رفت. در غرب، فرهنگ به معنای پیشرفت، به‌سازی، رشد، ترقی و تکامل به کار رفت؛ یعنی مظاهر مادی نیز فرهنگ دانسته شده و پیشرفت مادی و معنوی، «تمدن» نام گرفت. با پیدایش دیدگاه‌های تازه در دوران مدرنیته، سبکی نوین در هنرهای تجسمی اروپا و آمریکای شمالی پدید آمد. در این گستره، تغییر در نقاشی و پیکر تراشی قابل توجه بود.

در این دوران تندیس‌های برهنه ساخته شد؛ تندیس‌هایی که احساس تن بودن انسان و لزوم پرداختن هنرمند به تن را به بیننده القا می‌کرد. از این میان، می‌توان به پیکرده «داوود»، ساخته میکل‌آنژ اشاره کرد؛ تندیس مرد جوانی در نهایت زیبایی و برومندی که برهنه مادرزاد است. این مجسمه نشان می‌دهد که پس از دوران تجدد، چه اندیشه و فرهنگی بر دست و قلم هنرمند فرمان می‌راند. در عرصه نقاشی نیز می‌توان به صورت‌های تخیلی نقاشان از مریم مقدس اشاره کرد. تصویرهایی پیش از رنسانس، مریم را زنی غیرمعمول و سرشار از حجب و حیایی که به وی حالتی ملکوتی می‌بخشد نشان می‌دهد. در این عصر، نقاش می‌کوشد به مریم، زیبایی معنوی بیخشد، اما

نقاش پس از دوران تجدد، مریم را از آسمان به زمین می‌آورد و برای ترسیم سیمای مریم، زنان زیبای کوچه و بازار را مدل قرار می‌دهد. در این تابلو، دیگر آن شرم و حجب مقدس دیده نمی‌شود و بیننده، بیش از آنکه به یاد ارزش‌های معنوی بیفتد، به زیبایی چهره خیره می‌شود؛ گویا در دوره‌ای که ارزش به تن و چهره است، ارزش مریم نیز به زیبایی ظاهری‌اش بستگی دارد. (حداد عادل، ۱۳۷۴، ۳۲، ۲۸)

## ۷. مقایسه نظرات قرآن و عهدین

دین یهودیت، حجاب را برای زنان واجب کرده؛ حتی مردان را هم از دعا کردن در حضور زنان سر برهنه منع می‌کند. زنان یهودی مؤمن، همیشه حجابشان را رعایت می‌کرده‌اند. در سیره آنان آمده که حجاب، گاهی نشان دهنده عزت و احترام زن بوده است. زنان اصیل و نجیب، خودشان را از دید نامحرمان می‌پوشاندند. تا قرن ۱۹ میلادی، این ادامه داشت. بعداً که با فرهنگ غربی و سکولار آشنا شدند، بی‌حجابی را پیشه کردند؛ پس مطابق آنچه در متون مقدس عهد عتیق آمده، حجاب در این دین واجب بوده است. در آیین مسیحیت نیز مانند یهودیت، حجاب زنان واجب بوده است. در کتاب مقدس نیز پولس بارها در رساله‌اش به این مسئله اشاره کرده است. طبق تعالیم عهد جدید، زنان مسیحی مؤمن نیز حجاب داشته و به آن عمل می‌کردند. حجاب آنها مختص زمان دعا و نیایش نبوده است. امروزه نیز برخی از فرقه‌های یهودی و مسیحی در کنیسه‌ها و کلیساها، هنگام دعا و نیایش سر خود را می‌پوشاندند. زنان مسیحی نیز مانند زنان یهودی تا زسنانس این وضع را داشتند و بعد از آن مسئله حجاب را نادیده گرفتند.

از نظر اسلام، زنان باید بدن و موی خود را از دید نامحرمان بپوشاند، اما پوشاندن صورت و دست از مچ به پایین واجب نیست. وسیله حجاب و پوشش فرقی نمی‌کند، با هر واسطه بپوشاند کافی است. پوشش نباید طوری باشد که زینت یا زیبایی‌های بدنش آشکار شود. در آیین یهودیت و مسیحیت در متون مقدس، شیوه‌های گوناگون حجاب آن زمان آمده شده است؛ مثل روبند، برقع، چادر و... در آیین یهودیت آمده است: «حجاب دخترانت قبل از ازدواج واجب نیست. (البته طبق تعالیم دینی آنها دختر باید در حوالی بلوغ ازدواج کند) و بعد از ازدواج، حجاب برای آنها واجب شده و لباس‌های آنها

باید طوری باشد که برجستگی بدن آنها معلوم نشود و حتی پاها نیز باید پوشیده شود و آرایش در منظر عام ممنوع است».

اسلام نیز قبل از بلوغ، حجاب را برای دختران واجب نکرده و حجاب کامل را حجابی می‌داند که برجستگی‌های بدن معلوم نشود. آرایش در مقابل دید نامحرمان نیز حرام است. تفاوت حجاب بین قرآن و عهدین این است که در عهدین و تعالیم دانشمندان، سختگیری‌های بیش از حد دیده می‌شود؛ در حالی که در قرآن و روایات اسلامی سخت‌گیری نسبت به حجاب دیده نمی‌شود؛ (البته در روایات جزاء اخروی بی حجاب یا بد حجاب بیان شده و آنان دارای مجازات سختی هستند)، اما در عهدین، غیر از مجازات اخروی، مجازات‌های سخت دنیوی برای آنان در نظر گرفته می‌شود. برای نمونه، زنانی که بدون حجاب در میان مردان نامحرم حاضر شده یا در کوچه و بازار پشم می‌ریستند و یا با مردان هوس باز صحبت می‌کردند، ازدواجشان باطل می‌شد و هر نوع گفت‌وگوی زن و مرد از طرف فقهای دین یهودیت ممنوع بود. در آیین مسیحیت نیز روحانیون و فقها، قوانین سختی را در مورد حجاب وضع می‌کردند؛ و جوب پوشیدن صورت، آرایش مو در مقابل آینه، سوراخ کردن گوش‌ها و آویختن گوشواره و گردنبند و... از جمله آنهاست. در حالی که اسلام، استفاده از زیور آلات و طلا را برای زن ممنوع نکرده است، بلکه گاهی استفاده از آنها را برای زنان مستحب می‌داند.

## ۸. نتیجه‌گیری

بررسی حجاب در قرآن و عهدین نشان می‌دهد که بخشی از آن وجه مشترک ادیان محسوب می‌شود و برخی هم حکایت از افتراق و تمایز ادیان دارد:

— نصوص دینی ادیان سه‌گانه، تمایل به پوشیدگی را امری درونی می‌داند و به همین دلیل از آغاز خلقت آدم و حوا، برهنگی را ناپسند دانسته و به دنبال پوششی از برگ درختان بودند.

— خویشتن‌داری و عفاف در ادیان الهی به عنوان فضیلت اخلاقی تلقی می‌شود؛ از این رو برای گسترش فرهنگ عفاف، راه کارهایی مانند پاکی نگاه و حفظ حریم روابط زن و مرد مطرح شده است.

— پرهیز از خودآرایی و خودنمایی، مورد توصیه ادیان آسمانی است برای همین در آیین یهود، برای زنی که با خودآرایی به جامعه پا بگذارد، عذاب سختی پیش‌بینی شده است.

— در عهد قدیم و جدید نگرشی افراطی دیده می‌شود که بیان‌گر مواضع سخت‌گیرانه آنان در مسئله پوشش است. تأکید بر چادر و برقع (روبنده) به عنوان ارکان اخلاقی یهود و مسیحیت از آن جمله است؛ در حالیکه اکثر عالمان و فقهای اسلامی پوشش صورت را ضرورت نمی‌دانند.

— در فرهنگ یهود و مسیحیت، عفاف ملازم خانه‌نشینی و عزلت‌گزینی زنان است، اما در فرهنگ اسلام، حضور مؤثر و فعال زن در عرصه اجتماعی بخشی از فلسفه وجودی حکم پوشش است.

— سلب فعالیت اجتماعی زنان، نتیجه طبیعی نوع پوششی است که در نصوص دینی یهود و مسیحیت پیشنهاد شده است. این در حالی است که اسلام برای فعال کردن جامعه زنان، گام‌های مؤثری برداشته است.

— طرح مسئله پوشش در آیین یهود و مسیحیت، همراه با ابهام و کلی‌گویی است و راه روشنی را به روی پیروان خود نمی‌گشاید؛ در صورتی که اسلام با بیانی روشن و تفصیلی، خط مشی مسلمانان را در این عرصه تبیین کرده است.

نتیجه این تحقیق نشان می‌دهد که حجاب مسئله‌ای نیست که اسلام آن را اختراع کرده باشد. بلکه در تمام ادیان آسمانی مانند یهودیت و مسیحیت این قانون شدیدتر بوده است. منشأ این حکم نیز لطف مخصوص الهی است که به زن دارد. حجاب حکمی نیست که موجب تحقیر زن یا ایجاد عسر و حرج برای او شود، بلکه معنایش این است که زن خیلی با ارزش است و هر چشمی لیاقت دیدن این مخلوق زیبا را ندارد.

### فهرست منابع

- \* قرآن کریم. مترجم: الهی قمشه‌ای، مهدی (۱۳۹۴). تهران: پیام عدالت.
۱. ابن فارس (۱۴۰۴). معجم القائیس اللغة. بی‌جا: مکتبه الاعلام الاسلامی.
۲. ابن منظور (۱۴۱۹). لسان العرب. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳. انصاری، محمد علی (۱۴۱۸). الموسوعة الفقهیه المیسرة. قم: مجمع الفکر الاسلامی.

۴. جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۳۹۹). الصحاح. بیروت: دارالعلم للملایین.
۵. حداد عادل، غلامعلی (۱۳۷۴). فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی. تهران: نشر سروش.
۶. حر العالمی (۱۳۹۱). وسائل الشیعه. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۷. حکیم. سید محسن (۱۳۸۹). مستمسک العروة الوثقی. نجف اشرف.
۸. حکیم‌الهی، محمد علی (۱۳۴۲). زن و آزادی و ضرب المثل‌های ملل راجع به زنان. تهران: چاپخانه فردوسی.
۹. دورانت، ویل (۱۳۸۰). تاریخ تمدن. مترجم: آریانپور، امیرحسین. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۰. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (بی تا). مفردات الفاظ قرآن. تهران: انتشارات مرتضوی.
۱۱. سیوطی، جلال‌الدین (۱۴۰۴). الدر المنثور. قم: مکتبه آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی.
۱۲. العروسی الحویزی، عبدعلی بن جمعه (۱۴۲۲). نورالثقلین. بیروت: مؤسسه التاریخ العربی.
۱۳. عروسی حویزی، عبدالعلی (بی تا). نورالثقلین. قم: دارالکتب العلمیه.
۱۴. علامه طباطبایی، سیدمحمدحسین (بی تا). المیزان. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۵. عهد جدید (۱۹۹۴). نیویورک: انجمن پخش کتب مقدس.
۱۶. عهد عتیق (۱۹۹۲). لندن: انجمن پخش کتب مقدس.
۱۷. فیروز آبادی، محمدبن یعقوب (بی تا). قاموس المحيط. بیروت: دارالجمیل.
۱۸. فیومی (۱۹۲۸). مصباح‌المنیر. قاهره: دارالکتب العلمیه.
۱۹. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴). بحارالانوار. بیروت: مؤسسه الوفاء.
۲۰. مصطفوی، حسن (۱۳۶۰). التحقیق فی کلمات القرآن. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۲۱. مطهری، مرتضی (۱۳۷۶). مسئله حجاب. تهران: انتشارات یوشش و آرایش صدا.
۲۲. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۶۸). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۳. موسوی خمینی (۱۴۰۸). تحریر الوسیله. قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
۲۴. Alexandra, Wright (-). *Judaism in Holm and Bowker*.
۲۵. Clara M. Hennig (1974). *Cannon Law and the Battle of the Sexes in Rosemary*. New York: Simon and Schuster.
۲۶. Susan W. Schneider (1984). *Jewish and Female*. New York: Simon & Schuster.